

زبان فارسی، عامل همگرایی فرهنگی^۱

مارینا کامنوا^۲

مطالعه سیاست زبانی جمهوری اسلامی ایران طی ده سال اخیر، نشان می‌دهد که رهبران ایران برای زبان فارسی، و توسعه و فعالیت این زبان در جامعه معاصر، اهمیت فراوانی قائل‌اند. در ایران زبان فارسی به عنوان عامل مهم همگرایی فرهنگی ملت تلقی می‌شود. در این رابطه سخنان آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر روحانی ایران، در نخستین مجمع جهانی استادان زبان فارسی درباره نقش این زبان در داخل و خارج از ایران شایان توجه است. آیت‌الله خامنه‌ای، مقدم بر همه، خاطر نشان کرد که زبان فارسی برای ایرانیان و اقوام فارسی‌زبان دیگر شالوده ذهنیت ملی، میراث باعظمت و فوق‌العاده ارزنده گذشته و مایه افتخار و منشأ دستاوردهای فرهنگی است. آیت‌الله خامنه‌ای ضمن اشاره به اهمیت این زبان برای اقوام غیرفارسی‌زبان، به این واقعیت اشاره کرد که به برکت زبان فارسی می‌توان با نمونه‌های بی‌نظیر حکمت و اندیشه عالی که به صورت منظوم و منثور در میراث فرهنگی ایران با مواظبت تمام نگهداری می‌شوند، آشنا شد. به عقیده وی، زبان فارسی در گسترش اسلام در شبه‌قاره هندوستان، چین، و آسیای مرکزی، نقش بسزایی داشته است.^۳

مسئله اهمیت زبان فارسی، به عنوان عامل همگرایی فرهنگی، می‌تواند در دو جنبه داخلی و خارجی تعریف شود. از قرار معلوم، در خاک ایران معاصر بیش از چهل قوم کوچک، قبیله و گروه قومی سکونت دارند که به خانواده‌های مختلف، یعنی ایرانی،

۱. برگرفته از: مجله پارس، ش ۱، ۲۰۰۱م.

۲. کارمند علمی شعبه ایران‌شناسی مؤسسه خاورشناسی مسکو.

۳. گزارش نخستین مجمع جهانی استادان زبان فارسی، تهران ۱۹۹۷م، صص ۳-۵.

ترکی، و سامی تعلق دارند. در طول قرن بیستم محافل حاکم بر ایران زبان فارسی را به عنوان عامل همگرایی قومی و فرهنگی اقوام مقیم ایران تلقی می‌کردند و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این زبان در تحقق اندیشه‌های انقلاب فرهنگی نقش بسزایی ایفا کرد. طی ده سال اخیر، در ایران، ادامه گسترش زبان فارسی و تحکیم موقعیت آن، ارتقای سطح تسلط دانش‌آموزان و دانشجویان در این زبان و دانش‌افزایی استادان زبان فارسی، به‌خصوص در کشورهایی که اقوام غیرفارسی‌زبان (مانند آذربایجانی‌ها و ترکمن‌ها) اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند، مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است.

اطلاعه‌های برگزاری همایش‌ها و جلسات تکمیل روش‌های تدریس زبان فارسی و گسترش آن، به‌خصوص در کشورهای دوزبانه، مرتباً در نشریات ایرانی، از جمله در خبرنامه، نشریه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران، منتشر می‌شود. چنین مراسمی بارها در تبریز، مرکز آذربایجان ایران، برگزار شده است. رئیس فرهنگستان و ادب زبان فارسی، در یکی از این جلسات، سیاست زبانی ایرانی را چنین تصریح کرد: «یکی از عوامل حفظ استقلال ایران، تأمین اصالت ملی و به‌خصوص هویت فرهنگی، از جمله از طریق تحکیم زبان فارسی به عنوان زبان سراسری ملی و مظهر وحدت ملی همراه با حفظ همه‌گوش‌های موجود در کشور و احترام به آثار برجسته ادبیات گذشته است.»^۱ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در حال حاضر زبان فارسی در جمهوری اسلامی ایران به عنوان وسیله مهم همگرایی فرهنگی اقوام مقیم کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اگر جنبه خارجی این مسئله را بررسی کنیم، می‌توانیم چند دسته از کشورهایی را مشخص کنیم که در آنها تبلیغات وسیع زبان فارسی صورت می‌گیرد:

۱. کشورهای جهان اسلام؛^۲ ۲. کشورهایی که در آنها اسلام احیا می‌شود؛^۳ ۳. کشورهایی که با ایران اشتراک تاریخی دارند؛^۴ ۴. کشورهایی که به طور سنتی به مطالعه می‌پردازند؛^۵ ۵. کشورهای دیگر.

دسته اول شامل کشورهای سنتی اسلامی، از جمله پاکستان، امارات متحده عربی، مالزی، لیبی، سوریه، ترکیه، بنگلادش، لبنان، و بسیاری از کشورهای آفریقایی است. برای مثال، در پاکستان، که می‌توان آن را جزو کشورهای دارای مشترکات تاریخی با ایران نیز

۱. خبرنامه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، تهران، ش ۵۰، ص ۶.

دانست، تحکیم مواضع زبان فارسی به عنوان عامل جلوگیری از انحطاط فرهنگ معنوی ملت پاکستان تلقی می‌شود. در بسیاری از شهرهای پاکستان مانند حیدرآباد، و لاهور، کلاس زبان فارسی دایر شده است. طرف ایرانی به توسعه روند مطالعه این زبان در دانشگاه‌های کشور، از جمله در دانشگاه کراچی، یاری می‌رساند و به بازگشایی مراکز زبان فارسی همراه با کتابخانه‌های مربوطه (از جمله در اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان) مبادرت می‌ورزد.

در بنگلادش نیز به تدریس زبان فارسی توجه زیادی دارند. این زبان در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های شهرهای بزرگی چون داکا و چیتاگانگ تدریس می‌شود. ایران به فعالیت کلاس زبان فارسی در پایتخت بنگلادش، وابسته به خانه فرهنگ ایران، کمک می‌کند که این مسئله موجب رشد علاقه به زبان فارسی و کل فرهنگ ایرانی و اصلاح تدریس زبان فارسی در دانشگاه‌های دولتی بنگلادش می‌شود.^۱

زبان فارسی در کشورهای عربی مانند سوریه، اردن، تونس و غیره، نیز بسیار مورد توجه است. برای مثال، مطالعه گسترده این زبان در اردن در سال ۱۹۹۱ م شروع شد و از سال ۱۹۹۴ م این زبان رشته تحصیلی الزامی دانشگاه اسلام، به عنوان یکی از زبان‌های اسلام، شد. آغاز تدریس زبان فارسی در تونس ریشه‌های عمیقی دارد و به سال ۱۸۷۸ م بر می‌گردد. در حال حاضر این کار در سطح بالا فقط در دانشگاه زیتونه صورت می‌گیرد و در دانشگاه‌های دیگر مرحله شکل‌گیری را می‌گذرانند. کلاس‌های زبان فارسی در اصلاح و گسترش تدریس زبان فارسی و تبلیغ این زبان و فرهنگ ایرانی در کشورهای عربی اهمیت فراوانی دارند. این کلاس‌ها در کشورهای حاشیه خلیج فارس، که محل سکونت ایرانیان زیادی است، نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کنند. طرف ایرانی غیر از دایر کردن کلاس‌های زبان، به برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های علمی در مورد شعرا و اندیشمندان برجسته ایرانی (مانند همایش عمر خیام در امارات متحده عربی و قطر) می‌پردازد.

دسته دوم شامل جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی است که در آنجا روند احیای سنت‌های اسلامی صورت می‌گیرد. زبان فارسی و فرهنگ ایرانی غیر از جمهوری‌های تاجیکستان و آذربایجان، که به لحاظ تاریخی به ایران نزدیک‌اند، در کشورهای تازه استقلال‌یافته دیگر نیز جا باز می‌کند. در اکثر جمهوری‌ها مراکز فرهنگ ایرانی گشایش یافته‌اند. در ترکمنستان زبان فارسی، نه فقط در دانشگاه دولتی ترکمنستان، به نام مخوم‌قلی،

۱. خبرنامه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، تهران، ش ۴۰، ص ۷.

بلکه در پنج دبیرستان عشق آباد نیز تدریس می شود. در شهر مرو کلاس زبان فارسی و قرآن وجود دارد. کلاس های زبان نزد خانه های فرهنگ ایران در آذربایجان (باکو و نخجوان) ازبکستان و قزاقستان هم فعالیت می کنند. در این جمهوری ها دائماً آثار کلاسیک شعر فارسی و متون نویسندگان معاصر، از جمله آثار امام خمینی (ره) به زبان های ملی ترجمه می شوند. در تقسیم بندی پیشنهادی ما کشور هند جایگاه خاصی دارد، زیرا با ایران دارای پیوندهای محکم تاریخی میراث اسلامی است. زبان فارسی و کل فرهنگ ایرانی در این کشور مواضع محکمی دارد. زبان و ادبیات فارسی در همه دانشگاه های بزرگ این کشور تدریس می شود. طبق برآورد کارشناسان، در دانشگاه های بزرگ هند، قریب به ۱۵۲ کرسی (بخش) زبان و ادبیات فارسی وجود دارد که به شکل علمی در مورد آن مطالعه می کنند. در این زمینه چهار مرکز علمی غیردانشگاهی فعالیت می کنند. یک سال در میان در دهلی نو همایش سراسری استادان زبان فارسی برگزار می شود. کلاس دانش افزایی استادان زبان فارسی وجود دارد و خانه فرهنگ ایران هم بسیار فعال است.

در برخی از کشورها، ایران شناسی طی مدت زیادی توسعه یافته و اکتشافات علمی قابل توجهی در این زمینه به عمل آمده است. از میان این کشورها می توان به روسیه، آلمان، انگلیس و چند کشور دیگر اشاره کرد. در روسیه ایران شناسی گام های اول خود را در نیمه اول قرن نوزدهم برداشت که در آن زمان پژوهشگران عمدتاً به مطالعه زبان های ایرانی توجه داشتند. بزرگ ترین موفقیت ها در سال های ۱۹۵۰-۱۹۷۰ نصیب ایران شناسی و ادبیات و زبان شناسی روسی شد که بعد از آن زبان شناسی به عنوان رشته جداگانه ای توسعه یافت. از سوی دیگر، در حال حاضر گام های شایان توجهی در جهت تدریس عملی زبان فارسی و تبلیغ این زبان و فرهنگ ایرانی برداشته می شود که این سیاست نتایج خوبی را در پی خواهد داشت. ایران شناسی در انگلیس ریشه های تاریخی عمیقی دارد و هم اکنون به توسعه خود ادامه می دهد. زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه های آکسفورد، کمبریج، لندن، و منچستر تدریس می شود. پژوهش های علمی در زمینه زبان شناسی ایرانی و ترجمه های آثار سعدی، حافظ، فردوسی، نظامی گنجوی، و نیز آثار قوم شناسانه منتشر می شوند. باید گفت که زبان فارسی در کشورهای بسیار متفاوتی چون ژاپن، فنلاند، اسپانیا، چین، رومانی، و اوکراین هم نفوذ کرده است.

بررسی موادی که در مورد این مسئله وجود دارد، نمایانگر موفقیت های بزرگ ایران در زمینه گسترش زبان و ادبیات فارسی و کل فرهنگ ایرانی در قاره های مختلف، و تبدیل آن به عامل همگرایی فرهنگی اقوام است.